

یکی بود یکی نبود...

قصه و قصه خوانی در اثر بخشی
تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی



۱۸ لذت قصه در یادگیری

۲۰ همزاد بشر

۲۶ فنی که به چشم نمی آید

۲۹ چوپان دروغگو، عمری به درازای تاریخ دارد

۳۲ از يك اسم تا كتاب نارنجی



لذتِ قصه در یادگیری

بشر نخستین قصه‌های مصور را روی دیوار غارها گفته است

علیرضا شیخ‌الاسلامی



اشاره

به راستی در قصه‌هایشان (لقد کان فی قصصهم) برای خردمندان عبرتی است، اینها سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشن‌گر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است (آیه ۱۱۱ / سوره یوسف).

قصه‌گویی عمری به قدمت تاریخ بشریت دارد. آن هنگام که انسان‌های اولیه در تصاویری که در غارهای خود به جا گذاشته‌اند به نوعی به بیان داستان‌های روزانه‌ی خود می‌پرداختند، شروع داستان‌گویی بود. روایت‌های مصور روی دیوار غارهای کهن نشان می‌دهد که بشر نخستین، خیلی پیش از آنکه به زبان نوشتاری دست یابد، قصه‌سرایی می‌کرد و این یعنی داستان از ابتدا برای انسان جذاب و مؤثر بوده است. حال امروز بایستی از این ظرفیت بسیار مفید و ارزشمند در امر آموزش بیش از پیش بهره بگیریم و از مزایای داستان در کلاس درس غافل نماییم.

تأثیر قصه در روان انسان

الف) قلمرو شناختی: توانایی قصه در انتقال دانش و کمک به فرایند شناخت، تحلیل و حل مسائل.

ب) قلمرو عاطفی: پالایش عاطفی-هیجانی و امیدآفرینی در زندگی.
پ) قلمرو بین‌فردی: ایجاد پیوستگی و رابطه‌ی انسانی-اجتماعی در گذر زمان و مکان. به بیان ساده «با شنیدن داستان‌های گوناگون می‌فهمیم ما تنها نیستیم، افراد دیگری نیز با مسئله‌ای مثل مسئله‌ی ما سر و کار داشته‌اند».

ت) قلمرو شخصی: تقویت بینش و نگرش ارزشی به پیرامونمان و درک بهتر از رویدادها^۱.

مزایای قصه‌گویی در کلاس

الف) موهبت تخیل و تقویت خلاقیت دانش‌آموزان: در داستان یا قصه است که افراد می‌توانند از هیچ، چیزی بیافرینند. محدودیت زمان و مکان ندارد و در واقع ذهن او را با داستانمان در گذشته و آینده و فراتر از مرزها و هر جا که اراده کنیم سیر می‌دهیم.

ب) اشتراک گذاشتن تجربه‌ها و باورهای ارزشمند ملت‌ها برای نسل‌های گوناگون: بسیاری از داستان‌های عامیانه‌ی جهان برآمده از باورها و یا حتی شرح بیان رویدادهایی است که بر افراد و اقوام، گذشته است و یادآوری آن‌ها مفید و مثرتر برای نوجوانان هر نسلی خواهد بود.

پ) رشد و تقویت زبان و ادبیات فارسی و جذب دانش‌آموزان به ادبیات: نوجوانان نسل امروز به دلیل اینکه بیشتر با وسایلی نظیر رایانه، تلویزیون، اینترنت سر و کار دارند، از میل و رغبتشان به جاذبه‌های گسترده‌ی ادبیات فارسی کاسته شده و از طرفی به وضوح در مهارت‌های خواندن و نوشتن دچار ضعف گردیده‌اند. قدم اول استفاده از قصه‌گویی (نوعی از ادبیات شفاهی) می‌باشد. در این راهکار برای حل مشکل، متوجه ساختن دانش‌آموزان به جذابیت‌های داستان‌های فارسی مؤثر خواهد بود.

ت) مهارت‌های اجتماعی نظیر خوب گوش دادن و تعریف کردن و تعامل با دیگران در جمع: تقویت ادبیات گفتاری دانش‌آموزان با تشویق آن‌ها به قصه‌گویی آغاز می‌شود. نوجوانان به بازگویی داستان‌هایی که خوانده‌اند و شنیده‌اند برای هم‌سالانشان علاقه‌مند هستند و ایجاد بستر مناسب برای این کار، قدرت بیان افکار در جمع و افزایش اعتمادبه‌نفس را برای دانش‌آموزان تقویت می‌کند و آن‌ها در کاربرد صحیح و روان عبارات هم آرموده خواهند شد.
ث) سرگرمی و هیجان و جذابیت در صورت به‌کارگیری

به‌ویژه نوجوانان پندگریز هستند) به شکلی مستقیم نصیحت نکند؛ بلکه داستان‌ها، رازآلود و با نیاز به تفکر در نتیجه‌ی آن درک می‌شوند. مخاطب، داستان را کشف می‌کند و به‌راحتی و چشم‌بسته هر چیزی را نمی‌پذیرد. خود اوست که تصمیم می‌گیرد نتیجه‌ی اخلاقی و صحیح را انتخاب کند و روش و مرام عملی‌اش را براساس آن داستان تنظیم کند.

استفاده از مزیت گسترده‌ی داستان‌های قرآنی

توجه ویژه‌ی قرآن به قصه‌گویی و قصه‌خوانی بسیار قابل توجه و تأمل است. باید از خود بپرسیم مگر قصه چیست و چه دارد که خداوند متعال در آخرین پیامش به بشر، این چنین قصه می‌گوید و او را به تفکر در قصه‌ها فرا می‌خواند.

داستان‌های قرآن بیانی از حقایق مسلم تاریخی می‌باشند، اما نکته‌ی اساسی اینجاست که نمی‌توان گفت داستان‌گویی در قرآن همان نقل سرگذشت گذشتگان به‌صورت صرف و تاریخی است. آنچه قصه‌گویی تاریخی را در قرآن ممتاز و برجسته می‌سازد، ویژگی‌های فنی قصه‌های قرآن است. این ویژگی عبارت است از بیان مؤثر، جذاب و شیوای قرآن، به‌گونه‌ای که خواننده احساس می‌کند رویدادها و آدم‌ها نزد او حضور دارند و با او سخن می‌گویند و اگر چنین نبود، هرگز فایده‌ی اصلی داستان‌گویی در قرآن که همان عبرت‌گیری و موعظه‌یابی است، حاصل نمی‌شد.

استفاده از ظرفیت داستان‌های ادبیات غنی فارسی

زبان فارسی دارای ظرفیت‌های ارزشمند، گسترده و متنوعی در داستان است که می‌تواند سلیقه‌های گوناگون را برآورده و مجذوب خود سازد. در این زمینه چه ادبیات عامیانه و بومی ایران، چه داستان‌های کهن ادب فارسی نظیر داستان‌های کلیله و دمنه (از نوع افسانه‌های تمثیلی)، داستان‌های گلستان (از نوع حکایات اخلاقی)، داستان‌های شاهنامه (از نوع داستان‌های اسطوره‌ای)، قصه‌های هزار و یک شب (از نوع افسانه‌های پریان) و... ، و چه داستان‌های نوین (از نوع داستان کوتاه و رمان) همه مورد توجه و استفاده می‌تواند باشد. امروزه، خوشبختانه بسیاری از کتاب‌های ادبیات کهن ایران به نثر ساده و قابل فهم و درک نوجوانان بازنویسی شده است که استفاده و معرفی داستان‌های آن‌ها در کلاس‌های ادبیات فارسی توصیه می‌شود.

شیوه‌های صحیح داستان‌گویی: شاید یکی از مهم‌ترین مزایای بهره‌گیری از قصه در آموزش نوجوانان، جذابیت‌های نامحدود و وسیع این حوزه برای این گروه سنی است. البته این جذاب‌سازی شرطی دارد که می‌توان به اختصار به این موارد اشاره داشت: در مرحله‌ی اول، انتخاب داستان بسیار حائز اهمیت است و قصه‌گو باید قصه‌ای را انتخاب کند که خود از آن لذت می‌برد تا بتواند با تسلط آن را برای کلاس بیان کند. برای انتخاب داستان خوب است که مخاطبان خود را بشناسیم و ویژگی‌های آن‌ها را هنگام انتخاب داستان لحاظ نماییم. در ادامه خودمان هم می‌توانیم در داستان جانی تازه بدمیم و حتی آن را متناسب با اهداف تربیتی - آموزشی مورد نظرمان بازگویی کنیم تا بهترین داستان ممکن را گفته باشیم. سبک و لحن ما هنگام قصه‌گویی فوق‌العاده مهم است و شاید به‌دلیل همین ارتباط چهره و نوع حرکات دست و بدن باشد که اولویت داستان‌گویی به مراتب بیشتر از خواندن داستان در کلاس است. در صورت موفقیت در داستان‌گویی، نتیجه‌بخش بودن داستان ما هم حتمی خواهد بود.

ج) همذات‌پنداری با شخصیت‌های داستانی و فرصت تمرین

و یادگیری دانش‌آموزان: همهی ما این تجربه را داشته‌ایم که وقتی داستانی می‌خواندیم و یا حتی فیلم یا کارتون می‌دیدیم خود را به جای شخصیت‌های آن داستان و یا قهرمان آن می‌گذاشتیم و در عالم رؤیا و خیال هر چه می‌خواستیم می‌کردیم. حال مخاطبان داستان‌های ما هم قطعاً در سکوت هنگام شنیدن داستان، خود را به جای شخصیت‌های قصه تخیل می‌کنند و به بازآفرینی اعمال آن شخصیت می‌پردازند. پس این ارتباط صمیمانه میان داستان و دانش‌آموز می‌تواند مورد بهره‌برداری بجا و به‌موقع ما قرار گیرد و با تمرین‌های متفاوتی نظیر تصویرسازی و نقاشی از داستان و ادامه‌ی داستان به سلیقه‌ی خود دانش‌آموز و غیره، فرصت‌های آموزشی را فعال نماییم.

چ) ماندگاری از طریق شنیدن داستان و تمثیل: با استفاده

از داستان ممکن می‌شود تا چیزی را که قابل لمس و دیدن نیست خوب درک کنیم و به ذهن بسپاریم. هم‌چنین آن مطلبی را که در داستان شنیده‌ایم، سریع برایمان یادآوری می‌شود.^۲

ارزش‌های تربیتی - آموزشی غیرمستقیم قصه

همه‌ی ما آگاهانه و ناآگاهانه به‌دنبال راه‌های بهتر زندگی هستیم و با شنیدن هر قصه‌ای، ارتباطی بین آن داستان و استفاده‌ی از آن برای زندگی خویش جست‌وجو می‌کنیم. «با خواندن و شنیدن یک مطلب الهام‌بخش، ذهن ناهشیار و ضمیر ناخودآگاه ما تغییر می‌کند»^۳. در نتیجه انتقال و آموزش غیرمستقیم و ماندگار مفاهیم اخلاقی و دینی با بهره‌گیری از داستان می‌تواند مزیت اصلی شیوه‌های آموزشی ما باشد. در واقع این مفاهیم ارزشمند به کمک تصویر ذهنی شکل می‌گیرد و در آن از سخنرانی و پند و اندرز خبری نیست. علت جذابیت اصلی قصه در این است که مطالب به‌گونه‌ای بیان می‌شود تا به‌صورت مستقیم پیام ندهد و مخاطبان‌اش را (که در اینجا

پی‌نوشت‌ها

۱. دکتر علی صاحبی، قصه‌درمانی گسترده‌تربیتی و درمانی تمثیل، انتشارات ارجمند، تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۴.
۲. برخی از این موارد با بهره‌گیری از کتاب «قصه‌گویی در کلاس درس»، نوشته آلیسون دیویس و ترجمه مینا سلیمی، انتشارات سمت نوشته شده است.
۳. میلتن اریکسون، قصه‌درمانی، ترجمه‌ی مهدی قراچه‌داغی، نشر دایره، ۱۳۹۰، ص ۲۳.

قصه و قصه خوانی در اثربخشی تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی و فرایند یاددهی - یادگیری

اشاره

انسان همواره خود را برتر از دیگر موجودات می‌داندسته و می‌داند، چه آن هنگام که در تنهایی خود فرو می‌رود و چه هنگامی که در اجتماعات حضور دارد. اما این انسان چه در تنهایی و چه در جمع از قدرت تفکر و تخیل بهره برده و خود را نشان داده است. بشر سرشار از گفته‌ها و ناگفته‌هایی است که قرن‌ها درون او بوده و به شکل‌های خاص ارائه شده است.

یکی از این شیوه‌ها طریقه‌ی بیان احساسات است که در قالب قصه ظهور می‌یابد. قصه و قصه‌گویی شاید عمری به درازای عمر انسان دارد و حتی به باور برخی همزاد اوست. در اندک صفحاتی که به‌عنوان پرونده‌ی «قصه و قصه خوانی در تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی و فرایند یاددهی - یادگیری» در مجله باز کرده‌ایم، سعی داریم در ضمن مقالات یا نشست‌هایی که با نویسندگان قصه داریم و بعضی نیز در کسوت آموزگاری

تجربه‌هایی دارند؛ به بررسی زوایا، تعاریف و ویژگی‌هایی تعلیم و تربیت قصه و انعکاس آن در کتاب‌های درسی دبستان بپردازیم. ورودیه‌ی ما در این پرونده میزگردی است که با حضور چند تن از کارشناسان فرهنگی و قصه‌نویسان برگزار شده است. گزارش این میزگرد هم‌اکنون پیش روی شماست.

مجید راستی، متولد ۱۳۳۳، از کودکی در این حوزه به فعالیت پرداخته است. او سابقه‌ای طولانی در گروه کودک تلویزیون دارد و در زمینه‌ی طراحی، نویسندگی طرح و برنامه در گروه سنی کودک و خردسال فعال است. مجید راستی در حال حاضر سردبیر مجله‌ی رشد کودک است و مسئولیت انجمن نویسندگان رانیز به‌عهده دارد.

ناصر نادری، متولد سال ۱۳۴۶ است و فعالیت فرهنگی و نوشتن را از مسجد محله‌شان شروع کرده است. می‌گوید: «اولین تجربه‌ی قصه‌نویسی من به سال

۱۳۵۸ برمی‌گردد».

نادری از سال ۱۳۷۰ و با ورود به آموزش و پرورش، فعالیت جدی خود در این زمینه را شروع کرده و تا به حال کتاب‌های بسیاری به چاپ رسانده است.

محمد گودرزی دهریزی، متولد تهران است اما فضای زندگی روستا را نیز تجربه کرده است. می‌گوید: «بیست سال زندگی در شهرستان‌ها فضا و تجربه‌ی خوبی در نویسندگی من به‌وجود آورد». گودرزی هم‌زمان به شعر و داستان کودک پرداخته است و چند کتاب در این زمینه دارد. «ادبیات کودکان و نوجوانان ایران» و «آغازی برای وطن» از آثار اوست.

طاهره خردور، در خانواده‌ای فرهنگی به دنیا آمده و علاقه‌مند قصه و افسانه است. او سال‌ها معلمی کرده و با حال و هوای مدرسه به‌خوبی آشناست. می‌گوید: «۶۰ کتاب آموزشی نوشته‌ام و از سال ۱۳۷۴ نوشته‌هایم در مجلات رشد چاپ می‌شود».



خردور می‌گوید: جایزه‌ی اولین قصه‌ها را از رادیو گرفتم و امروز برای روزنامه‌ها نیز داستانک یا قصه می‌فرستم».

مفهوم قصه و قصه‌گویی

قصه و قصه‌گویی در آموزش و شیوه‌های تدریس بسیار مؤثر است. ناصر نادری با ذکر این جمله به مفهوم قصه و تفاوت آن با داستان می‌پردازد:

قصه‌گویی

«قصه به معنای خاص خودش با داستان‌های کوتاه تفاوت دارد». با این مقدمه مجید راستی، سردبیر مجله‌ی رشد کودک، با اشاره به تفاوت قصه و داستان، درباره‌ی قصه‌گویی و زمان آغاز آن صحبت می‌کند و ادامه می‌دهد: «به قدری زمان شروع قصه‌گویی دور است که هرکسی ممکن است چیزی بگوید مثلاً یکی بگوید از ۱۰۰۰ سال پیش و یکی بگوید از ۲۰۰۰ سال پیش بوده ولی آنچه واقعیت دارد این است که قصه‌گویی بی‌آنکه بدانیم کی به وجود آمده، در زندگی آدم‌ها همیشه نقش آفرین بوده است، و هرکسی برای بیان آن از ابداع خودش استفاده می‌کند و منظورش را خواسته و ناخواسته در قالب قصه ریخته و این مدام تکرار شده و تأثیرگذار بوده است.»

کدام آموزگارها موفق‌ترند؟

مجید راستی ادامه می‌دهد: «آموزگارهایی موفق‌ترند که در تدریس معمولاً از قالب خاطره، بازی و در نهایت قصه استفاده می‌کنند. معلم‌های باتجربه سراغ روش‌هایی می‌روند که جذاب‌اند و ذهن بچه‌ها را درگیر می‌کنند. همچنین ذهن خودشان درگیر می‌شود. یکی از ضعف‌ها و کمبودهای ما تا حدی در آموزش و پرورش کمی فرصت است. مشغله‌های زندگی طوری است که این فرصت‌ها را نمی‌دهد. بنابراین، قصه‌گویی یا داستان‌گویی یا داستان‌خوانی، یکی از روش‌های انتقال معلومات، اطلاعات و دانش فردی و در واقع روش زندگی است. بچه‌ها هم این قالب را دوست دارند. به

اعتقاد من در تدریس ریاضی هم می‌توان از زبان قصه استفاده کرد که خیلی تأثیرگذار است (واقعیت ریاضی گفته شود).

متأسفانه، کتاب‌خوانی بسیار کم است. چه اشکالی دارد یکی از ساعت‌های کلاس را به کتاب‌خوانی اختصاص بدهیم تا کتاب‌خوانی رواج پیدا کند. آموزش و پرورش ترتیبی آغاز کند تا معلم‌ها با ادبیات کودک و اهمیت ادبیات کودک آشنا شوند».

قصه و قصه‌نویسی، همزاد بشر

محمد گودرزی دهریزی برای قصه و قصه‌نویسی زمان خاصی متصور نیست و آن را همزاد بشر می‌داند. می‌گوید: «همیشه قصه با دل مشغولی‌ها و عواطف انسان قرین بوده و براساس پژوهش‌های انجام شده، عمر قصه‌گویی به حدود ۴۰۰۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد و این نقطه‌ای مشترک بین همه‌ی ملل است و در میان مردم کشورهای چینی و هند و چین قصه و قصه‌گویی بیشتر بوده است.

اگر به «قصه‌ی هزار و یک شب» توجه کنید اصل آن هندی است اما در آن قصه‌ی ایرانی، عربی و هندی هم وجود دارد. در ادامه اگر بخواهم تعریفی از قصه بگویم این است که آثار خلاقانه‌ی که با عنوان‌هایی مثل «حکایت» اشاره کردند (افسانه، اسطوره، حکایت، حتی مثل و مثل را هم شامل می‌شود) به نوعی هر آنچه ادبیات شفاهی در تقسیم‌بندی ادبیات می‌گوییم که در قالب متن ادبی و داستانی آمده و چون زبان و گفتن پیش از خط و نوشتن بوده، مهم‌ترین ویژگی‌ای که قصه را از داستان کوتاه یا رمان جدا می‌کند این ویژگی‌هاست. در قصه‌ها عنوان‌های عجیب و غریبی هست. در آن خرق عادت است و آنچه در مسیر علی و معلولی به ظاهر در ذهن ما هست به هم می‌خورد. مثلاً دیو در بیرون نیست ولی در قصه وجود دارد اما چهار چوب روایی و پیوند طرح کلی ضعیف است، چون دقیقاً حوادث براساس نظام سبب و مسبب نیست، درونش کلی گرایبی و کلی‌گویی وجود دارد؛ چون در قصه‌ها اساساً حوادث محور روایت هستند تا پردازش‌ها و تغییر و تحولات شخصیت‌ها.

آموزگارهایی موفق‌ترند که در تدریس معمولاً از قالب خاطره، بازی و در نهایت قصه استفاده می‌کنند. معلم‌های باتجربه سراغ روش‌هایی می‌روند که جذاب‌اند و ذهن بچه‌ها را درگیر می‌کنند

لذا شخصیت‌ها تیپ دارند، شخصیت‌های خوب، شخصیت‌های بد، فردیت‌ها گم است. برخلاف داستان کوتاه که ما اساساً جزئی‌پردازی می‌کنیم، شخصیت‌ها اساساً توصیف درونی می‌شوند و دنیای خاص خود را دارند. اغلب قصه‌ها پایان خوش دارند و این نکته‌ای آموزشی دارد. بر حس امیدبخشی و غلبه‌ی خوبی بر بدی تأکید می‌شود. ویژگی دیگر که جزو ویژگی‌های خاص قصه است، نثر گفتاری آن می‌باشد، گرچه عملاً مکتوب است ولی بافت زبان نقلی و روایتی است».

داستان چیست؟

این نویسنده در ادامه به تفاوت داستان و قصه هم می‌پردازد و می‌گوید: «داستان مفهومی کلی و شامل قصه، داستان کوتاه، رمان - رمانس است. ویژگی مشترک آن‌ها حس تعلیق است، چه در حکایت، چه در داستان کوتاه که یک نوع جذابیت، سرگرمی و لذت در همه‌ی این‌ها هست و البته مفاهیم هم ممزوج‌اند. وقتی می‌گوییم اثر خلاق یعنی هدف فقط انتقال و بیان القای مفهوم نیست اول شیرینی، گوارایی و سرگرمی و لذت یک عنصر مهم است. اما قصه به نگاه علمی‌تر به چه معناست و تفاوت آن با داستان کوتاه چیست؟ به مفهوم قصه از چند دیدگاه باید نگاه کرد:

یکبار مفهوم قصه را از دید عام باید نگاه کرد. قصه اثری ادبی است که شامل تمام گونه‌های داستانی می‌شود، حکایت، افسانه و هر چیزی که درونش ماجرای باشد. به این در قدیم قصه می‌گفتند هنوز هم این مفهوم را در خودش حفظ کرده است. ولی از دیدگاه انواع ادبی قصه مفهوم دیگری پیدا می‌کند و آن وقت قصه را در ارتباط با داستان بررسی می‌کنیم. قصه

چیست؟ داستان چیست؟ اگر بخواهیم از دیدگاه انواع ادبی قصه را با داستان مقایسه کنیم، باز از دو جهت باید به آن نگاه کنیم: یکی از دید ساختاری و دیگر از دید تاریخی. از دید تاریخی معمولاً آن آثاری که قبل از تجدد و تحول تاریخی قبل از دوره مشروطیت وجود داشته است، در حوزه‌ی ادبیات کودک و حوزه‌ی ادبیات بزرگسال به این‌ها معمولاً قصه می‌گوییم. آثاری را که بعداً چه در ادبیات بزرگسالان که با «یکی بود یکی نبود» شروع شد و چه در داستان‌های کودکان به تقلید از ادبیات غرب کم‌کم شکل داستان گرفت. به لحاظ تاریخی، به لحاظ ساختاری و فنی حدود ده تفاوت بین قصه و داستان وجود دارد. یکی از عمده‌ترین تفاوت‌های قصه و داستان ساختار طرح آن‌ها است و بیشترین تفاوت بین علی و معلولی و علت است که در داستان‌ها معمولاً این چفت‌وبست هست؛ هر معلولی علتی دارد و این علت هم باید منطقی و حداقل با منطق داستان سازگار باشند. اما در قصه‌ها این منطق اصلاً وجود ندارد یا علت وجود ندارد یا اگر علت وجود دارد خیلی منطقی به نظر نمی‌آید. کلی‌گویی: در قصه‌ها کلی‌گویی می‌شود اما در داستان‌ها معمولاً جزئی‌گویی می‌شود. مطلق‌گرایی: قصه‌ها مطلق‌گرا هستند. سیاه و سفیدها خیلی بیشتر است، ولی در داستان‌ها نیست.

زمان و مکان: قصه‌ها معمولاً زمان و مکان خاصی ندارند. مثلاً می‌گوییم روزی روزگاری در شهری کدام روزگار یا شهر نمی‌دانیم، ولی در داستان‌ها این زمان را مستقیم یا غیرمستقیم مشخص می‌کنیم. مثلاً در داستان داش آکل (صادق هدایت) مکان را دقیقاً می‌گوید در شیراز ولی به زمان غیرمستقیم اشاره می‌کند؛ مثلاً فلان شلوار و کلاه را می‌گذارد و ما به ذهنمان خطور می‌کند که در شیراز مردم در چه زمانی این نوع پوشش را استفاده می‌کردند. از طریق این سرنخ‌ها به زمان داستان پی می‌بریم.

بعد بحث شخصیت‌پردازی‌هاست. در داستان‌ها تمام تلاش نویسنده این است که هر شخصیت با توجه به ویژگی‌های شخصیتی‌اش گفت‌وگو کند؛ یعنی ما نمی‌توانیم حرف الکی در دهن مردم بگذاریم. گدا در داستان‌ها یک‌جور صحبت می‌کند، شاه یک‌جور صحبت می‌کند و دزد یک‌جور حرف می‌زند.

در قصه‌ها اگر ما اسم شخصیت‌ها یا دیالوگ را بخوانیم معمولاً همه‌ی کلام و بافت کلام آن‌ها یکسان است، ولی در داستان‌ها نه. ما می‌توانیم از روی دیالوگ بگوییم احتمالاً حرف‌های یک پلیس است. حتی جزئی‌تر می‌توانیم بگوییم این حرف‌های یک پلیس باسواد است یا یک پلیس بی‌سواد. حرف‌های یک پلیس زن است یا مرد.

ادبیات چیست؟

طاهره خردور پیش از تعریف قصه، ادبیات را تعریف می‌کند. می‌گوید: «پیش از تعریف قصه باید دید ادبیات چیست؛ چون قصه زیرمجموعه‌ای از ادبیات هر ملت است. ادبیات چگونگی تعبیر و بیان احساسات، عواطف و افکار به‌وسیله‌ی کلمات و در انواع شکل‌های ادبی است. اما قصه نوعی از ادبیات است که به شکل روایی با کمک تخیل، به بیان احساسات و افکار انسانی می‌پردازد که معمولاً خارج از زمان و مکان است. بنابراین، ادبیات کودکان مجموعه‌ی نوشته‌ها، سروده‌ها و گفتارهایی است که

از طرف بزرگسالان برای خردسالان فراهم می‌شود.

خردور به‌عنوان نویسنده و آموزگار می‌گوید: «قصه نقش مهمی در رشد شخصیت کودکان دارد و پایداری، شجاعت، نوع دوستی، امید، آزادگی و طرفداری از حق و حقیقت را در وجود کودک بیدار می‌کند. قصه‌ها پندآموزند و امروز را به فردا پیوند می‌دهند.

قصه‌های کودکان چگونه باید باشد؟

با احساسات کودکان همخوان باشد.

ساختار مناسب داشته باشد.

طولانی و پیچیده نباشد. همخوانی فرهنگی در قصه‌ها رعایت شود.

ماجرا و پایان قصه بلافاصله لو نرود.

تأثیر مثبت داشته باشد؛ مثلاً تبلیغ دوستی به جای دشمنی.

جذاب باشد.

قصه می‌تواند با موضوعات خاص خودمتن حیوانات، سحر و جادو، تم‌های اجتماعی، پهلوانی، خنده‌دار و یا اخلاقی باشد و تمام حواس مخاطب را به خود جلب کند. همه‌ی این‌ها به شرطی است که یک قصه‌گوی خوب نیز در این میان حضور داشته باشد.

خردور، مدیر داخلی مجله‌ی رشد کودک است و در ادامه برخی ویژگی‌ها را به ترتیب زیر ارائه می‌دهد:

ویژگی‌های قصه‌گو:

بزرگ‌تر از مخاطب قصه باشد.

صدای مناسب داشته باشد.

لکنت‌زبان نداشته باشد.

از قدرت تخیل خوبی برخوردار باشد و فضاسازی مناسبی ایجاد کند.

با استفاده از قدرت هنر خود، کلام را در دل مخاطب بنشاند.

حالت هیجانی قصه را آشکار کند.

از تکرار بیهوده‌ی واژه‌ها خودداری کند و تکیه کلام نداشته باشد.

از تقلید صدا و تغییر لحن بهره ببرد.

از فضای قصه بیرون نرود.

صبور باشد.

نقش قصه در کودکان ابتدایی:



محمد گودرزی دهریزی

- برانگیختن علاقه به یادگیری

- کمک به جریان درس

- حفظ کردن مطالب

- همدلی بین معلم و دانش آموز

- همدلی بین دانش آموزان

فواید قصه:

- پرورش قدرت بیان و عواطف

- پرورش نیروی تخیل و حس زیبایی

- تحریک قوه‌ی ابتکار

- تحریک حس کنجکاوی در کودکان

- انتقال مفاهیم

- اصلاح رفتارها در کودک

- انتقال فرهنگ و ...

- تبلیغ پیام‌های اخلاقی و انسانی مثل

پرهیز از دروغ‌گویی، حسادت و ...

با در کنار هم قرار دادن ویژگی‌های مزبور

به خودی خود می‌توان به هدف‌های برنامه‌ی

ادبیات کودکان در آموزش و پرورش رسید.

انواع قصه

قصه به انواعی تقسیم شده است:

قصه‌ی پریان، قصه‌ی فانتزی، قصه‌ی

فلسفی، قصه‌ی دینی. حکایت نیز نوعی

قصه است که در شکلی کوتاه پیام‌های

پندآموز دارد؛ مانند حکایت‌های سعدی.

«افسانه» نیز در ردیف قصه جای دارد و

روایتی است از انسان‌ها، جانوران و اشیا که

به صورت تمثیل بیان می‌شود.

و در پایان اینکه:

قصه‌های قبل از اختراع خط که به‌طور

شفاهی بین مردم رواج داشته است. در ایران

قصه‌ها در قهوه‌خانه‌ها، محافل و مجالس

عمومی بوده و نتیجه‌گیری اخلاقی و

مذهبی از آن به عمل می‌آمده است.

قصه‌های کهن به‌گفته‌ی جمال میرصادقی

بیشتر بر حقایق زندگی استوار بوده‌اند اما

قصه‌های اخیر بیشتر بر خیال‌انگیز بودن

تکیه دارد.

معنای لغوی قصه یعنی حکایت و

سرگذشت و تعریفی که برای قصه‌ی کودکان

داریم این است: یک نوشته‌ی هنرمندانه

در قالب کلام بگوئیم که برای رشد کودک

مناسب است. منتها همیشه قصه باید

جوری باشد که با زبان و درک و فهم کودک

یکی باشد.

در تعریف قصه، کلیدواژه «خارق العاده

بودن» است. یعنی قصه‌ها آثار

خارق العاده‌ای هستند ولی در داستان خلق

خارق العاده نداریم. اتفاقاتی که در قصه

می‌افتد ممکن است در جهان بیرون غیبت

پیدا نکنند ولی در ذهن می‌شود. در داستان

حوادث خارق العاده اتفاق نمی‌افتد و خود

این خارق العاده بودن مرز بین افسانه و

داستان فانتزی را مشخص می‌کند.

چون بحث ما درباره‌ی کودک است و

شناخت ما باید نسبت به کودک بیشتر

باشد، روان‌شناسان اهمیت ویژه و بیشتری

برای کودک قائل‌اند. با توجه به ویژگی‌های

رشدی و عاطفی کودک قصه‌ها به سمت

خیال‌انگیزی گرایش پیدا می‌کنند.

خیال‌انگیزی به‌خاطر ویژگی‌های رشدی

در سنین پایین کودک است. من در بررسی

کتاب‌های درسی دیدم قصه، افسانه،

حکایت و مثل بسیار است. اما گروه سنی

مشخص نشده است. یک حکایت با آن زبان

خاص کتاب فارسی دوم چقدر قابل فهم

است. آیا بچه‌ها از آن آگاهی دارند و ما در

کتاب سال دوم شروع به گفتن حکایت و

داستان برای آن‌ها کرده‌ایم.

نگاه آموزشی به قصه

ناصر نادری با اشاره به کتاب‌های درسی

به اهمیت بعد آموزش قصه می‌پردازد و

می‌گوید: «همه‌ی این‌ها برای این است که ما

کتاب‌های درسی را بررسی کنیم و به معلم‌ها

به‌طور حرفه‌ای کمک برسائیم و کارکردها و

فوایدی برای قصه‌گویی به‌ویژه با نگاه آموزشی

برمی‌شماریم. در ابتدا باید عرض کنم

کامل‌ترین و مهربان‌ترین معلم‌ها خداست و او

در نسخه‌هایی از کتاب آسمانی برای دردهای

بشر درمان آورده و همواره از عنصر قصه

استفاده کرده است و تلنگری بر ماست که

قصه چقدر می‌تواند برای آموزش مهم باشد.

تمثیل‌ها یا قصه‌هایی که در قرآن و انجیل

و تورات آمده‌اند، واقعاً برای سرگرمی

نیستند بلکه برای القای تعقل و تدبر و

مفاهیم به‌صورت شیرین‌ترند. قصه عنصر

بسیار تعیین‌کننده‌ای است. در شرایطی

که هستیم گسترش رسانه‌ها در زندگی

خانواده‌ها و فرایند آموزشی آن باعث

شده متأسفانه قصه‌گویی پرچیده شود.

ما کودکی‌های بسیار غنی‌ای داشتیم،

متأسفانه فرزند امروز فرزند رسانه است تا

فرزند پدربزرگ و مادربزرگ. اما قصه‌گویی

یک جنبه‌ی روساختی دارد و یک جنبه‌ی

ژرف ساخت.

در جنبه‌ی روساختی؛ قصه گفته می‌شود

و مهارت شنیدن، آشنایی با واژه‌ها و از این

دست فواید را بچه درک می‌کند.

در جنبه‌ی ژرف‌ساختی؛ وقتی بچه‌ها با

این نمادها و واژه‌ها به تأمل بیشتر واداشته

می‌شوند به اعماق پنهان‌تر وجود خود

مراجعه می‌کنند و بر این اساس الگوی زندگی

می‌تواند اصلاح شود.

کارکردها و فوایدی که برشمردم از جمله

در بحث زبان آموزی است. بچه‌ها با شنیدن

قصه، به شکل افسانه، شکل حکایت، مثل و

مثل در حقیقت با واژه‌های نو و اصطلاحات

نو آشنا می‌شوند و جالب است که به میراث

نیاکان خود دست می‌یابند. بچه‌ها به‌جهت

اینکه قصه و داستان می‌شنوند با برخی

کلمات نامأنوس آشنا می‌شوند و این یعنی

انتقال مفاهیم و برانگیختن حس کنجکاوی.

قصه ابزاری است در تسهیل آموزش سایر

مطالب حتی علوم و ریاضی. پرورش قدرت

تخیل و خلاقیت و آشنایی با واقعیت‌های

زندگی. غیر از این باشد باید سال‌ها بگذرد

تا کودک به این تجربه‌های زیستی برسد.

ناصر نادری



در افسانه و حکایت انتقال ارزش‌ها و اصلاح رفتار شکل می‌پذیرد. الان بسیاری از روان‌کاوان در شیوه‌های درمانی خود از جمله در روان‌پزشکی به شیوه‌های افسانه‌گویی متوسل می‌شوند. «بتلهایم» از این درمانگرهاست. اصلاح رفتار، تعامل اجتماعی، پیوندهای فرهنگی در افسانه‌ها چون عنصر مشترک ملل هست و ارزش‌های خوبی در خود دارد و ما می‌توانیم ارتباط بین ملل را به‌عنوان جامعه‌ی جهانی واحد بیشتر بکنیم که متأسفانه خلأهایی در کتاب درسی داریم و گاه در آن‌ها هیچ ردپایی از آثار ملل جهان نیست.

سردبیر مجله‌ی رشد کودک با این باور که قصه به رشد اعتمادبه‌نفس کودک کمک می‌کند و باعث رشد او می‌شود، دوباره وارد بحث شده و می‌افزاید: «درواقع، هدف قصه رشد و تعالی خود انسان بوده است. با شنیدن قصه، احساسات، ذهن، فکر و تخیل او تقویت می‌شود و به هدفی که می‌خواهد می‌رسد. فکر می‌کنم اگر با این نگاه به قصه و برون‌قصد در کتاب‌های درسی اهمیت دهیم با توجه به نکات آموزشی برای بچه‌ها رشد واقعی اتفاق می‌افتد. کودک اعتمادبه‌نفس بیشتری می‌یابد و خوداتکایی، خلاقیت و فعالیت وی به حرکت درمی‌آید و در آینده نیز وقتی بزرگ‌تر شد از هر نظر انسان کاملی می‌شود. هم گذشته را با خودش دارد و هم آینده را با چراغ گذشته پیدا می‌کند. همه‌ی این‌ها به‌خاطر این است که انسان خوب رشد کند. اصلی‌ترین هدف

قصه هم همین است. یعنی مخاطب به‌عنوان یک ظرف توانایی‌هایی را ذخیره می‌کند و بعد آن‌ها را بروز می‌دهد.



مجید راستی

به این خاطر می‌گوییم که قصه‌های تخیلی ذهن بچه‌ها را درگیر می‌کند و معمولاً قصه برای بچه‌ها با سن پایین بیشتر جواب می‌دهد تا داستان. چون در داستان می‌خواهیم محیط را به آن‌ها بشناسانیم، در قصه تخیل و ابتکار وجود دارد. دنیای بچه‌ها بدون مشکل است چون محدودیت ندارد و در سن بالاتر محدودیت‌ها بیشتر می‌شود. یکی از خلأهای بزرگ ما در کتاب‌های درسی این است که گفته شده یک نمایش بازی کنید و این ابتدایی‌ترین حرف است که ما می‌توانیم بزنیم.

جایگاه ادبیات نمایشی در کتاب‌های درسی خالی است.

نقش و کارکرد قصه‌ها

گودرزی با پرداختن به «انسجام ذهن کودک» به کارکرد قصه اشاره می‌کند و می‌گوید: «براساس رویکرد این جلسه که نقش قصه در کتاب‌های درسی است. یکی از کارکردهای داستان در کتاب‌های درسی بحث «انسجام ذهنی کودک» است. کودک و تا حدودی نوجوان آثاری را بیشتر درک می‌کند که به‌لحاظ ساختاری منسجم باشند، آثار غیرمستقیم را معمولاً بچه‌ها درک نمی‌کنند. وقتی بخشی از کتاب درسی را به قصه، آموزش یا تعلیم با کمک داستان بیان می‌کنیم نشان می‌دهد که انسجام آثار روایی بیشتر است. چون حوادثی هستند که به شکل خطی و ترتیب تاریخی پشت‌سرهم اتفاق می‌افتند و ذهن کودکان دقیقاً آثاری را که ترتیب تاریخی دارند بهتر دریافت می‌کند. بنابراین، به‌جای یک بحث پراکنده وقتی آن را در قالب داستان بیان می‌کنیم کودک این را بهتر می‌گیرد. یکی از کارکردهای داستان در کتاب درسی انسجام بخشیدن به مطلب آموزشی است که با ذهن کودک تناسب بیشتری دارد.

یکی دیگر از کارکردها درواقع تلطیف فضای آموزشی است. وقتی ما متن غیردرسی را می‌بینیم، چقدر این حرکت تدریس‌گند و چقدر ابهام‌زاد است و وقتی این را در می‌کنیم درس بعدی که داستان است، می‌آید سرعت بچه‌ها در تدریس و

یادگیری بیشتر می‌شود. این اثر داستان است که فضای کلاس را لطیف‌تر می‌کند. یکی دیگر از مواردی که باید از داستان و شعر در کتاب درسی استفاده کنیم بحث توجه به نیم‌کره‌ی راست است، آنچه روان‌شناسان می‌گویند آموزش و پرورش تا قبل از دبیرستان توجه خود را به نیم‌کره‌ی راست دانش‌آموز بگذارد و کم‌کم بعد از نوجوانی به نیم‌کره‌ی چپ و منطق‌گرایی وارد شود. بنابراین در ورود به دوره‌ی ابتدایی، داستان، شعر و بازی حداکثر ۸۰ درصد فضای آموزشی را در برمی‌گیرد.

حالا ورود شعر و داستان به کتاب‌های درسی تا حدود زیادی در راستای نیم‌کره‌ی راست است که ضرورت خاصی برای بچه‌ها دارد. - وجود داستان در کتاب‌های درسی معلم را برای بچه‌ها عزیزتر می‌کند. یعنی ما یک آموزگار و در حقیقت یک شخصیت داستان‌گو داریم. بنابراین، وجود این آثار در کتاب درسی ما از معلم، یک معلم داستان‌گو می‌سازد نه یک معلم مهدکودکی. حالا اگر یک قصه‌گوی مهد داشته باشیم مطمئناً بچه‌ها قصه‌گو را بیشتر از معلم دوست دارند. اگر فقط معلم داشته باشیم و این کتاب درسی، یک چیز ترکیبی از این دو می‌سازد و در ذهن بچه‌ها آن شخصیت سخت‌گیر، خشک و شاید دنبال تهدید یا مچ‌گیری کردن را تضعیف می‌کند و یک شخصیت متعادل، لطیف و صمیمی از او می‌سازد.

شیوه‌های تدریس

ناصر نادری باز با اشاره به روش‌های تدریس، به اهمیت شیوه‌های برتر در تدریس می‌پردازد و قصه و قصه‌گویی با استفاده از نمایش را راهی مناسب در فرایند یاددهی-یادگیری معرفی می‌کند. او می‌گوید: «ما کم‌کم داریم به کتاب درسی می‌رسیم، اینکه شیوه‌های کتاب بسیار مهم است و الان هم می‌بینید یک معلم هست که همه‌ی بچه‌ها دوستدار او هستند و درس‌های آموزگار را به‌خوبی یاد می‌گیرند، نوعی وابستگی حسی و عاطفی به دنبال دارد و بچه‌ها راحت‌تر درس را می‌فهمند. معلم‌هایی هستند که خیلی رسمی درس

می دهند. هم خودشان اذیت می شوند و هم بچه‌ها درس را خوب یاد نمی گیرند. معلم‌های باتجربه شیوه‌های تجربه‌شده را در اختیار همه‌ی معلم‌ها قرار بدهند. مثلاً شما یک متن را در نظر بگیرید و با چند شیوه آن متن را بنویسید و در اختیار معلم بگذارید. کسی که معلم می شود خوب است بداند که یک مطلب را با چند شیوه می توان آموزش داد.

من می گویم همین کتاب‌های خشک و جدی درسی در قالب‌های متنوع مانند طنز آورده شود و شیوه‌ی زبان کتاب باید به گونه‌ای باشد که جذابیت داشته باشد. معلم‌هایی که خلاقیت و توانایی دارند و خودشان متن را عوض می کنند موفق می شوند، ولی اگر خود کتاب با آن قابلیت‌ها و توانایی‌ها در دسترس معلم قرار بگیرد معلم‌ها را بیشتر سر ذوق خواهد آورد و ابتکار معلم هم بر جذابیت اضافه می شود. باید بر نمایش در قصه‌ها توجه جدی شود. بیشتر بچه‌ها شنونده هستند. بچه‌ها باید نمایش، گفتار و رفتار، حرکت، فن بیان و نگارش را تجربه کنند.

و همه‌ی این‌ها دانش‌آموز را توانا بار می آورد. وقتی دانش‌آموز توانا شد محفوظات را راحت‌تر حفظ می کند. اگر بچه‌ای از شعرهای خوشش بیاید با دو بار خواندن حفظ می شود و اگر خوشش نیاید با بارها خواندن یاد نمی گیرد و هر بار هم می خواند احساس عذاب می کند. بنابراین، همه چیز در جهت خوشگوار شدن مطلب گفته شود و همه‌ی این‌ها برمی گردد به شیوه و نوع قصه».

روحیه‌ی مشارکت

نادری با ذکر این نکته که کودک با شنیدن قصه در کلاس به تعامل وادار می شود، ادامه می دهد: «به نظر می رسد در هر فرایند قصه‌گویی شاید معلم یا هر فردی حتی آدم خلاق و ماهری باشد با تغییر صدا و لحن و حرکت‌های دست و بدنش قصه را می گوید و بچه‌ها فقط منفعل و شنونده‌ی محض هستند. اما گاه قصه‌گویی جنبه‌ی گروهی و مشارکت پیدا

می کند. مثلاً بچه‌ها نقش شخصیت‌های داستان را بازی می کنند.

ما در قصه‌گویی چند فرایند مهم داریم؛ **متن قصه** که اساساً ببینیم آن متونی که به عنوان قصه آمده آیا واقعاً جذاب‌اند و مناسب با سن و جنس و فرهنگ امروز بچه‌ها هستند. به لحاظ موضوع آیا این متون تنوع دارد یا چگالی مفاهیم در بعضی از حوزه‌ها خیلی پرنسب و در بخش‌هایی مغفول است.

قصه‌گو؛ شاید متن قصه خیلی قوی باشد اما هنر این است که ما مهارت قصه‌گویی را بلد باشیم.

شرایط مکانی و زمانی قصه‌گو؛ ببینید متن فارسی پر حجمی مثل فارسی بخشی به نام «بنویسیم» هم دارد. آیا با این حجم فراوان انتظار این را داریم که آموزگار با حوصله و در زمان مناسب بخواهد وقت بگذارد و قصه بگوید؟ آیا این انتظار معقول است؟

در رابطه با شرایط مکانی گاهی آن قدر فضاها محدود و فشرده است که جایی برای نمایش به حالت گروهی یا کلاسی نیست. یا در رابطه با شرایط زمانی همان‌طور. آن قدر حجم محتوای کتاب درسی زیاد است که شاید اصلاً فرصتی برای کارهای خلاق تر نباشد.

و در مجموع به نظر می رسد ما در بحث قصه‌گویی این عناصر را داریم شاید اینجا در بحث مهارت دادن در قصه‌گویی خلئی است که باید برطرف شود و خود ما هم باید فکریایی بکنیم و در مجلات رشد، کتاب درسی و کتاب راهنمای معلم خوب است تأکید شود.

نقش آموزگاران در استفاده‌ی بهینه از قصه‌گویی در آموزش چگونه است و آموزگاران هنر و مهارت قصه‌گویی خلاق را چگونه باید بیاموزند؟ آیا اساساً ساختار کتاب درسی و متن‌های انتخابی در کتاب درسی و حجم، زبان، موضوعات آن به تناسب نیاز بچه‌هاست؟ در قصه‌نوعی مطلق‌گرایی وجود دارد. شخصیت آدم‌ها سیاه - سفید است. «زاییس» در کتاب «هنر قصه‌گویی خلاق» برای حل برخی

مشکلات کودکان، متناسب آن موضوع قصه‌ای ساخته و به‌طور کاربردی روش حل آن را بیان کرده است.

چگونه می شود دانش‌آموز را به قصه علاقه‌مند کرد؟ طبیعتاً در این زمینه نقش آموزگار اثرگذار است. آموزگار علاقه‌مند و آشنا به فن قصه‌گویی با ایفای نقش واقعی خود، سهم به‌سزایی در شناخت قصه و اثرگذاری آن در کلاس خواهد داشت.

در برخی کتاب‌های فارسی پایه‌های ابتدایی حجم موضوعات ادبیات معاصر با ادبیات کهن تناسب ندارد و کفه به سود ادبیات کهن سنگین شده است. به نظر می آید تنوع در انتخاب مضامین رعایت نشده است. گنجاندن سه نوع ادبیات در کتاب ادبیات هر کشوری ضرورت دارد.

الف. ادبیات سنتی و کلاسیک تا مخاطب با گنجینه‌های فرهنگی و سابقه‌ی خود آشنا شود.

ب. ادبیات زمان تا مخاطب با جریان‌های ادبی روز خود آشنا شود.

پ. ادبیات خاص.

ادبیات سنتی را در پایه‌های تحصیلی ابتدایی، می توان با بازنویسی و بازنویسی نشان داد.

طاہرہ خردور



فنی که به چشم نمی آید

نقش قصه گویی در نظام تعلیم و تربیت

اشاره

قصه گویی در کشور ما سابقه‌ای بس دیرینه و قدیمی دارد، اما نفوذ عوامل و وسایل ارتباط جمعی و علاوه بر آن مسائل خاص حوزه‌های شهرنشینی، موجب شده تا نقش قصه گویی در طول دوران و به ویژه در نظام‌های آموزشی کم‌رنگ شود. هم‌چنین به قصه گویی هنوز به عنوان یک فن نگاه نمی‌شود و در نظام آموزش و پرورش جایگاه شایسته‌ای ندارد. بسیاری از علاقه‌مندان به این فن، به تجارب خود متکی هستند و کمتر با روش‌های علمی و اصول قابل قبول این فن آشنایی دارند.

معمولاً در کشور ما به رغم وجود گنجینه‌های علم و معرفت و داستان‌ها و افسانه‌های زیبا و آموزنده، اولیا و مربیان بیشترین وقت خود را به مسائل آموزشی کودکان اختصاص می‌دهند و دانش‌آموزان نیز، در خانه و مدرسه بیشتر اوقات خود را صرف یادگیری‌های غیرفعال کرده، از سختی و خشکی دروس و اضطراب امتحان و نمره رنج می‌برند. بدین ترتیب اغلب اولیا و مربیان از هدف اصلی تعلیم و تربیت که پرورش انسان‌های خلاق، مبتکر و کارآمد است باز می‌مانند.

جایگاه قصه گویی در نظام آموزش رسمی کشور می‌تواند بخش بسیار وسیعی از جامعه را تحت پوشش قرار دهد. از دوران پیش دبستان تا دوران دانشگاه گستره‌ی نظام تعلیم و تربیت است، اما در این مقاله هر جا به نظام آموزشی اشاره می‌شود، مراد دوران پیش دبستان و دبستان است. با این اوصاف این مقاله در پی آن است که به این سؤالات پاسخ دهد:

الف. آیا قصه گویی می‌تواند در رقابت با فعالیت‌های رسمی مدرسه به جایگاهی مطمئن دست یابد؟

ب. آیا در نظام آموزشی ما به قصه گویی به عنوان فعالیتی جدی نگاه می‌شود یا فعالیتی تقنینی است که ارزش علمی-آموزشی خاصی ندارد؟

جبار کشاورز

لیسانس آموزش ابتدایی

قصه چیست؟

برای شناخت جایگاه واقعی قصه گویی در نظام تعلیم و تربیت ابتدا لازم است عناصر اصلی این سرفصل را مورد دقت قرار دهیم. نخست: قصه و دوم: نظام تعلیم و تربیت.

برای شروع بحث بهتر است ابتدا کلمه‌ی قصه و قصه گویی را مجدداً تعریف کنیم: سیما داد در کتاب فرهنگ و اصطلاحات ادبی ذیل کلمه‌ی قصه آورده است: «قصه در لغت به معنی حکایت و سرگذشت است و در اصطلاح به آثاری اطلاق می‌شود که در آن‌ها تأکید بر حوادث خارق العاده بیشتر از تحول و تکوین آدم‌ها و شخصیت‌هاست. در قصه یا حکایات محور ماجرا بر حوادث خلق الساعه قرار دارد. حوادث قصه‌ها را به وجود می‌آورند و در واقع رکن اساسی آن را تشکیل می‌دهند؛ بی‌آنکه در گسترش و بازسازی قهرمان‌ها و آدم‌های قصه نقشی داشته باشد.»

با توجه به این تعریف زمینه‌های بررسی جایگاه قصه گویی در نظام‌های آموزشی مشخص تر می‌شود.

جایگاه قصه

برای بهبود نظام تعلیم و تربیت با توجه به گستره‌ی بسیار وسیع آن؛ نخست لازم است نوع جامعه‌ای که در آن به نقش و جایگاه قصه می‌پردازیم را بشناسیم. در بررسی جوامع و دهه‌های قبل به دو نوع جامعه برمی‌خوریم؛ جامعه‌ی کشاورزی و جامعه‌ی صنعتی. هر کدام از این دو جامعه از ارتباطاتی یک‌سویه بهره می‌بردند و وسیله‌ی انتقال پیام در آن‌ها عمدتاً نوشته، رادیو و تلویزیون بود. در اواخر قرن بیستم شاهد پیدایی جامعه‌ی دیگری به نام «جامعه‌ی اطلاعاتی» بودیم که اصلی‌ترین منبع در این جامعه دانش و اطلاعات است و عمده‌ترین سازمان‌های آن مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و نظام‌های آموزشی می‌باشند. در این جامعه ارتباطات دوسویه و چندسویه است و این توانایی علاوه بر افزایش دادن سرعت ارسال و دریافت اطلاعات باعث افزایش فوق العاده‌ی سرعت رشد دانش نیز شده است. بنابراین در بخش آموزش دیگر نیازی به حفظ کردن مطالب نیست و باید

برای رویارویی با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می‌سازد و نیز در درک و فهم مشکلات زندگی آن‌ها را یاری می‌دهد.

قصه، به‌ویژه در زمینه‌های زبان‌آموزی و آموختن کلمات تازه به کودکان نقش قاطعی دارد.

داستان و قصه نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد. از طریق قصه‌ها و داستان‌های خوب کودک به بسیاری از ارزش‌های اخلاقی پی می‌برد.

کودک در نظام تعلیم و تربیت جدید انسانی فعال و پویا است که حق انتخاب دارد. او با تجارب متفاوتی روبه‌روست. یکی از کارهایی که کودک در نظام‌های آموزشی امروزه با آن روبه‌روست شنیدن، نوشتن و بازگفتن است. در ذهن کودک میلیون‌ها جرعه وجود دارد که هر کدام می‌تواند زمینه‌ی بروز و ظهور استعدادهای تازه را فراهم کند.

میل ذاتی کودک به شنیدن قصه موجب شده است تا قصه‌گویی به‌عنوان یکی از روش‌های آموزشی و تربیتی در طول اعصار مورد توجه باشد. کودک در داستان مایه‌ی زندگی خود را می‌یابد و خصوصیات رفتاری افراد را درک می‌کند.

داستان‌ها منعکس‌کننده‌ی نگاه انسان به جهان هستی و محیط پیرامون اوست و به همین دلیل قصه‌گویی راهی برای انتقال و آموزش آداب و رسوم و سنن از نسلی به نسل دیگر است. در تجدید حیات جاری قصه‌گویی، تعیین مرز طریف بین اجرا و گفتن قصه به‌گونه‌ای فزاینده دشوار است و این تفاوت مربوط به رابطه‌ی بین گوینده و شنونده است و قصه در کانون این رابطه قرار دارد. دانش‌آموز باید بتواند در طول قصه با قصه‌گو همراه باشد.

هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و فرایند تدریس به‌سرعت از شیوه‌ی حفظ کردن و انبارداری اطلاعات به سمت ایجاد مهارت در فراگیرندگان به‌منظور توانایی دریافت اطلاعات مفید و مورد نیاز، چگونگی تجزیه و تحلیل داده‌ها و کسب نتایج تولید دانش تغییر جهت دهد و زمینه برای یافتن روابط و حقایق به جای آموزش آن‌ها فراهم شود. با این اوصاف آیا نظام تعلیم و تربیت قابلیت این را دارد که مجدداً به فعالیت‌هایی نظیر قصه‌گویی رویکرد تازه‌ای ایجاد کند یا خیر؟

اکنون همه‌ی نظام‌های تعلیم و تربیت به‌گونه‌ای با فناوری‌های ارتباطی درگیر می‌باشند. با توجه به هزینه‌های بسیار بالایی که در اغلب مدارس برای بهبود امر تدریس و یادگیری به‌کار برده‌اند، انتظار می‌رفت که این عوامل به سمت ساده‌سازی و هیجان بخشیدن به آموزش پیش رود؛ اما متأسفانه در عمل مدارس فاقد نشاط و شادابی لازم می‌باشند. جریان تعلیم و تربیت نه فقط باید موجب شود خلاقیت در دانش‌آموزان توسعه یابد بلکه باید زمینه‌های آن را هم فراهم کند. از سویی در نظام آموزشی رسمی کشورها و به‌ویژه در کشورهای جهان سوم با همه‌ی نیاز روزافزون جوامع به نیروهای متخصص، باز هم تأکید بر یادگیری نظری است و به آموزش‌های نظری بیش از سایر آموزش‌ها توجه می‌شود.

به‌نظر می‌رسد نظام‌های آموزشی به‌ویژه نظام تعلیم و تربیت در کشور ما نیاز به بازسازی در زیربنای فکری دارد. برای این منظور باید افراد آگاه و خیره‌برانگیز نیازهای جامعه‌ی اطلاعاتی را در کنار امور آموزشی به‌گونه‌ای سازمان‌دهی کنند که تنوع فعالیت‌ها حفظ شده و همه چیز در خدمت سازندگی افرادی پرشور قرار گیرد.

نقش قصه

از جمله فعالیت‌هایی که می‌تواند بدون ایجاد حساسیت در نظام آموزشی از عهده‌ی مسئولیت خطیر پرورش کودکان برآید و همه چیز را همانند حلقه‌ای واحد به دور خود جمع کند، فعالیت قصه‌گویی است. قصه به لحاظ نیاز فطری انسان، همیشه یکی از برنامه‌های مورد علاقه‌ی اوست. در طول تاریخ علی‌رغم پیشرفت‌های سریع تکنولوژی هنوز زبان ساده‌ی قصه نقش بسیار مهمی در بیان مسائل آموزشی دارد. هر چند با توجه به تغییرات تکنولوژی، تغییرات اساسی در استفاده از قصه‌ها صورت گرفته است و به سختی رویکردهای سابق نسبت به قصه‌گویی ایجاد می‌شود، اما با هماهنگی بین بخش‌های مختلف نظام‌های آموزشی می‌توان خلأ موجود در آن را پر کرد.

در این راستا توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که یکی از بخش‌های مهم ادبیات کودک، قصه است. قصه کودک را در همه‌ی اوقات زندگی پرورش می‌دهد و باعث مسرت خاطر، وسعت تخیل و قوت تصور او می‌شود و نیز نیروی ابتکار و ابداع به او می‌بخشد. قصه‌هایی که کودکان می‌خوانند و می‌شنوند اثری عمیق در فکر و روحیه‌ی آنان می‌گذارد و آن‌ها را



نظام تعلیم و تربیت و قصه‌گویی

علاوه بر موارد فوق برنامه‌های آموزشی از جمله برنامه‌های چندرسانه‌ای می‌باشند. برنامه‌ی چندرسانه‌ای، برنامه‌ای است که ترکیبی از دو یا بیش از دو شکل هنری است که هر کدام می‌توانند جایگاه خود را داشته باشند و در مجموع کل واحدی را بیافرینند.

قصه‌گویی در نظام آموزشی می‌تواند با شکل‌های مختلف درسی بیامیزد، به‌شرطی که روی برنامه‌ها به‌خوبی فکر شده باشد و ارتباط بین بخش‌های آن منسجم باشد. مؤثرترین برنامه‌ها آن‌هایی هستند که بر درون مایه یا موضوع درسی یا نویسنده‌ای خاص متمرکز شده باشند. برای آماده‌سازی یک برنامه‌ی درسی که بتواند در نظام تعلیم و تربیت مفید واقع شود باید در مواد مورد استفاده‌ی آن دقت شود.

شرط موفقیت یک برنامه نظیر قصه‌گویی در مدارس روانی و موزون بودن آن است. در یک نظام تعلیم و تربیت باید بخش‌ها مکمل هم باشند و در عین حال آن قدر قدرت داشته باشند که مستقل به کار آیند. اگر چه امروزه به عواملی نظیر تفکیک بودجه و کاهش تعداد کارکنان در نظام‌های آموزشی اشاره می‌شود، با این حال رویکردهای تازه‌ای نسبت به فعالیت‌هایی نظیر قصه‌گویی در حال پیدایش است. به‌نظر می‌رسد برای رفع مشکل عدم توانمندی معلمان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر آموزشی باید دوره‌هایی برای آن‌ها برگزار شود. مدیران، معلمان و سایر افراد دست‌اندرکار نظام تعلیم و تربیت بایستی نسبت به شرکت در برنامه‌های قصه‌گویی ترغیب شوند، چون اگر بهترین قصه‌ها هم در خدمت شخصی که علاقه‌مند به قصه‌گویی نباشد قرار گیرد و نتواند از عهده‌ی ارائه‌ی آن برآید، در واقع کاری عبث انجام شده است.

کسانی که شغل معلمی را برگزیده‌اند خود زمانی دانش‌آموز بوده‌اند و شرایط آموزشی و پرورشی را در مدارس تجربه کرده‌اند. علی‌رغم پیشرفت‌های ظاهری هنوز اتفاق تأثیرگذاری در مدارس و در نحوه‌ی تدریس معلمان نیفتاده است. باید در نظام آموزشی فرصت‌هایی فراهم شود که در برانگیختن انگیزه برای نقش کاربردی معلمان باشد.

هم‌چنین برای کسب جایگاه مناسب برای فعالیتی نظیر قصه‌گویی لازم است در دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات مرتبط رشته‌ای خاص ایجاد گردد تا نیروهایی توانمند برای فن قصه‌گویی تربیت شوند.

اگر فعالیت قصه‌گویی توسط فردی ناتوان که با اصول قصه‌گویی آشنا نیست، ارائه شود؛ نه تنها نمی‌تواند مؤثر واقع شود بلکه علی‌رغم میل فطری کودک به قصه او را از محیط قصه‌فراری می‌دهد. در این رابطه ما با دسته‌های مختلفی از قصه‌گویان روبه‌رو هستیم: قصه‌گو-مجری‌ها؛ قصه‌گو-کتابدارها و قصه‌گو-معلمان.

در نظام‌های آموزشی بیشتر شاهد «قصه‌گو-معلمان» هستیم؛ یعنی آن دسته از قصه‌گویی که برای کودکان در برنامه‌های آموزشی قصه می‌گویند، اما علاقه‌مند به کار قصه‌گویی نیستند، در واقع آنان علاقه‌مند به اجرای قصه توسط قصه‌گو نیستند.

به‌دلیل حاکمیت این دیدگاه در نظام آموزشی، بسیاری از معلمان نمی‌توانند نقش قصه‌گویی را به‌خوبی ایفا کنند. معلمان در نظام‌های آموزشی باید بدانند که بین اجرای فعالیت‌های آموزشی و فعالیت‌های پرورشی و فوق برنامه ارتباطی بسیار عمیق وجود دارد. ممکن است بسیاری از معلمان برای بچه‌های خود در خانه قصه بگویند و با شناختی که از او دارند درباره‌ی علاقه‌ها، ترس‌ها، یا محبت‌هایش قصه بگویند؛ اما قصه در مدرسه ویژگی‌های خاص خود را دارد. قصه در مدرسه شور و عاطفه‌ی بیشتری را می‌طلبد و باید به کودک آزادی عمل بیشتری بدهد. قصه با توجه به نیازهای فطری مخاطب فرق می‌کند. برای این منظور باید کتاب‌های درسی سرشار از ادبیاتی غنی و مفید باشد. این ادبیات باید با مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی هم‌سو بوده و در برنامه‌ی تحصیلی خللی وارد نکند. معلم می‌تواند با قصه به دانش‌آموزان مهارت‌های پژوهشی را بیاموزد، می‌تواند گوش سپردن به قصه و برانگیختن کودکان را با آن‌ها تجربه کند.



منبع

۱. پولادی، کمال؛ بنیادهای ادبیات کودک، کانون، تهران: ۱۳۸۴.
۲. داد، سیمیا؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی، نشر مروارید، تهران: ۱۳۸۹.
۳. دلاور، علی؛ روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، نشر ویرایش: ۱۳۸۸.
۴. شاه‌آبادی، حمیدرضا؛ مقدمه‌ای بر ادبیات کودک، کانون، تهران: ۱۳۸۲.
۵. گرین، الین؛ هنر و فن قصه‌گویی، نشر ایجد، تهران: ۱۳۷۸.
۶. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، نشر مرکز، تهران: ۱۳۸۸.

چوپان دروغگو

عمری به درازای تاریخ دارد

در اهمیت قصه‌گویی برای کودکان

جعفر ربانی

شخصیت کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان بوده است؛ به طوری که امروز در کمتر خانه، مهدکودک، کودکستان یا مدرسه‌ای است که از روش قصه‌گویی در پرورش کودکان استفاده نشود.

قصه‌گویی و تخیل

دلیل جاذبه‌ی قصه برای کودک می‌تواند تسلسل یا پیوستگی موجود در آن باشد. چنان‌که همان کودک - و حتی بزرگسال - وقتی مثلاً رقص رنگ‌ها و یا بازی نور را، که به‌طور هماهنگ دیده می‌شود، مشاهده می‌کند بیشتر توجهش جلب می‌شود تا وقتی آن‌ها را به‌طور منفرد و جدا از هم ببیند. اما به‌جز تسلسل، تخیل هم نقش اساسی در قصه‌گویی دارد و حتی مقدم بر تسلسل است. اما نخست بینیم تخیل چیست؟ تخیل عبارت است از «توانایی ذهنی ما برای بازسازی ادراکات خودمان». ما می‌توانیم با قدرت تخیل چیزهایی را که قبلاً دیده و تجربه کرده‌ایم، در ذهن خود بازسازی کنیم و از ترکیب آن‌ها با یکدیگر چیز جدیدی بسازیم که حتی در عالم واقع وجود ندارد؛ برای مثال، ساختن گربه‌ی پرنده یا شتری که حرف می‌زند، تنها در عالم تخیل امکان‌پذیر است، ضمن اینکه اگر کسی گربه و پرنده و نیز شتر و سخن گفتن را جدا از یکدیگر در عالم واقع ندیده باشد، نمی‌تواند در ذهن خود آن‌ها را ترکیب کند و گربه‌ی پرنده و شتر سخن‌گو بسازد. جایگاه تخیل در آدمی تا آن حد اهمیت دارد که تصور انسان بدون تخیل محال است.

کارکرد قصه‌گویی برای کودکان

قصه‌گویی کارکردهای بسیاری دارد. کمترین کارکرد آن جلب توجه کودک و سرگرم کردن او و از این بالاتر تأثیری است که بر ذهن و زبان



اشاره

یکی از شگفتی‌های وجودی کودکان و خردسالان این است که قصه را دوست دارند و به قصه‌گو مخصوصاً اگر مادر باشد دل می‌سپارند. می‌گوییم شگفتی، زیرا اگر قصه‌گو مضمون قصه را به‌گونه‌ای عادی برای کودک بیان کند، آن را درک نمی‌کند و شاید توجهی به آن نکنند. این را ظاهراً باید به‌خاطر تسلسل و پیوستگی قصه دانست که ذهن کودک، و البته بزرگسال را هم، به خود جلب می‌کند. در واقع، در قصه یا داستان واژه‌ها، آواها، رویدادها، احساسات قصه‌گو و حرکات وی به‌صورت مجموعه‌ای هماهنگ عمل می‌کنند و از این‌روست که کودک را شیفته‌ی شنیدن می‌سازند.

لالایی‌ها نیز در کودکان خردسال چنین اثری دارند و کودک بدون آنکه مفهوم عبارات و کلمات لالایی را درک کند، تحت تأثیر نوای دلپذیر مادر به آن گوش می‌دهد و آرام می‌گیرد. به سبب همین علاقه به قصه و داستان، از دیرباز قصه‌گویی یکی از راه‌های پرورش ذهن و زبان و در نهایت پرورش منش و

شود و او را به واکنش وادارد.

- **پرورش عواطف؛** پرورش عواطف اگر مهم‌ترین کارکرد قصه‌گویی برای کودکان نباشد، بی‌شک یکی از مهم‌ترین آن‌هاست، چرا که کودک، به یک بیان، به‌ویژه وقتی در تعامل با مادر باشد، چیزی جز «عاطفه‌ی مجسم» نیست. شاید از همین‌روست که مادران از گذشته‌های دور، نخستین شعرها یا قصه‌هایی که برای کودک خود روایت می‌کرده‌اند، به‌صورت لالایی بوده است.

قصه‌های مشهوری چون «خاله سوسکه»، «دویدم و دویدم» و مانند آن‌ها نمونه‌ای از این قصه‌هاست که بعضی از آن‌ها عمری به درازای تاریخ بشر دارند و از سرزمینی به سرزمین دیگر نیز رفته‌اند.

- **انتقال تجربه‌ها و ارزش‌ها؛** قصه‌گویی در سنین بالاتر، مثلاً در دوره‌ی دبستان، کارکردی جدی‌تر و واقعی‌تر پیدا می‌کند و آن انتقال تجربه‌ها و ارزش‌ها به کودک است. در این سنین که کودکان از توانایی خواندن و نوشتن نیز برخوردار شده‌اند می‌توان آن‌ها را از دنیای تخیل به درآورد و چشمشان را به روی جهان واقعی و قابل تجربه‌ی عینی باز کرد. می‌توان رویدادهای تاریخی را به‌طور ساده و به‌شکل قصه برای آن‌ها گفت؛ می‌توان شرح حال انسان‌های بزرگ را برایشان باز گفت و ماجراهایی از سرزمین‌های دور، ولی واقعی، برایشان روایت کرد. در این‌گونه قصه‌ها، که البته بهتر است نام «روایت» به آن‌ها بدهیم، میدان عمل و تجربه خود را نشان می‌دهد که عرصه‌ی برخورد و تعامل و تقابل آدمیان با یکدیگر است؛ یعنی محل ظهور خُلق‌های نیک و بد و ارزش‌های مثبت و منفی و تجربه‌ها و ارزش‌هایی که به زودی، با ورود کودک به نوجوانی و جوانی، خودش نیز با آن‌ها درگیر می‌شود و باید آن‌ها را تجربه کند. بدین لحاظ قصه‌گویی برای کودک سال‌های دبستان اهمیتی بیشتر می‌یابد و در شکل بخشیدن به شخصیت او نقش بیشتری نسبت به گذشته ایفا می‌کند. همه‌ی ما که دوره‌ی دبستان را از سر گذرانده‌ایم به‌خوبی می‌دانیم که درس‌هایی مانند، «حسنک کجایی»، «چوپان دروغگو»، «مرغ‌های خاله مرجان»، «کوکب‌خانم»، «تصمیم کبری» و «دندان شیری» که در واقع روایتی قصه‌گونه از یک ماجرا بودند، و نه قصه به معنای مصطلح، تا چه حد بر عواطف و احساساتمان تأثیرگذار بوده‌اند و با گذشت سال‌ها هنوز هم آن‌ها را فراموش نکرده‌ایم.

قصه‌گویی در عمل

آنچه تا اینجا بیان کردیم، بیشتر جنبه‌های نظری قصه‌گویی بود، اما مسئله‌ی مهم عمل قصه‌گویی است و اینکه این کار مهم باید چگونه صورت گیرد تا بتواند مزایایی را که در آن نهفته است به‌ظهور برساند. در یک تقسیم‌بندی بسیار ساده قصه‌گویی دارای سه رکن یا پایه است و نبودن یکی از آن‌ها وجود دو تای دیگر را بی‌اثر می‌سازد. این سه رکن عبارت‌اند از: **قصه‌گو، کودک و قصه؛** دیگر ابعاد قصه‌گویی می‌تواند در ضمن این سه رکن قرار گیرد. ببینیم ویژگی‌های هر یک از این سه رکن چیست؟

رفتار و احساسات و خلیات کودک می‌گذارد و او را با تجربه‌هایی که خود هنوز از سر نگذرانده است آشنا می‌سازد. از همین‌روست که پدر و مادرها و به‌ویژه مربیان باید به این امر بسیار بها بدهند و بخشی از فعالیت‌های تربیتی و پرورشی خود در مورد کودکان را به قصه - اعم از قصه‌گویی و قصه‌خوانی - معطوف کنند و به‌ویژه به جزئیات این روش آموزشی و تربیتی توجه داشته باشند. منظور از جزئیات این است که قصه کارکردهای متفاوتی دارد که مجموعاً در پرورش شخصیت آینده‌ی کودک بسیار تأثیرگذارند. این کارکردها عبارت‌اند از:

- **افزایش واژگان پایه؛** کودکان در سه سالگی و بیشتر، هر واژه‌ی جدیدی را به سرعت می‌گیرند و آن را در خاطر خود ضبط می‌کنند و اگر مجال پیدا کنند آن را به کار نیز می‌برند.

هر چه گنجینه‌ی واژگانی کودک بیشتر باشد بهتر می‌فهمد، بهتر می‌شناسد، بهتر سخن می‌گوید و بهتر با اشیا و اشخاص ارتباط برقرار می‌کند.

- **تقویت گوش دادن؛** مولوی می‌گوید: «آدمی فربه شود از راه گوش» که این فربه شدن را می‌توان به معنای ظاهری آن یعنی پرورش یافتن



تلقی کرد. می‌دانیم که اگر نوزاد آدمی فاقد قوه‌ی شنوایی باشد، قوه‌ی سخن گفتن هم نخواهد داشت؛ در حالی که فقدان قوه‌ی بینایی، با همه‌ی اهمیتی که دارد، در انسان خللی ایجاد نمی‌کند.

قصه‌گویی برای کودک از این منظر بسیار مهم است و مربیان باید به ظرایف آن جداً توجه کنند. روشن‌ترین و بدیهی‌ترین تأثیر قصه‌گویی بر کودک این است که سخن گفتن او را تقویت می‌کند. باعث می‌شود با داشتن واژگان بیشتر، در کاربرد آن‌ها هنگام سخن گفتن بهتر و موفق‌تر عمل کند.

- **سؤال کردن؛** کودک هر چیز را درست سر جای خودش می‌بیند و انتظار دارد امور طبق منطق خود اتفاق بیفتد و نه بر حسب تصادف یا بدون هر دلیلی. این منطق سبب می‌شود کودک پرسشگر باشد و چون هیچ رنگ و ریایی را هم نمی‌پذیرد، هر جا امری را خلاف منطق خودش ببیند سؤال و حتی اعتراض می‌کند. بر این اساس، مربی می‌تواند قصه‌ی خود را از این منظر طراحی و اجرا کند. به‌عبارت دیگر، می‌توان قصه را طوری ساخت که برای کودک موجب سؤال

قصه‌گو

- «پیام روشن» از ویژگی‌های دیگر یک قصه‌ی خوب است. داستان «چوپان دروغگو» نمونه‌ای از یک پیام روشن است.

- و بالاخره قصه باید هدفمند نوشته یا انتخاب شود. اگر قرار است سرگرم‌کننده و طنزآمیز باشد متفاوت است با وقتی که قرار است آموزنده و اخلاقی باشد، و همین‌طور اگر قرار است مهیج و برانگیزاننده باشد. در مجموع، در یک تقسیم‌بندی کلی، خردسالان معمولاً به قصه‌های خیالی و تخیلی و ماجراهای حیوانات و جانوران و اشیای جاندار شده در ذهن قصه‌گو بیشتر علاقه نشان می‌دهند.

کودکان دبستانی به تدریج به شنیدن قصه‌های واقعی تمایل پیدا می‌کنند، نوجوانان پسر به دنبال قصه‌های ماجراجویانه می‌روند و نوجوانان دختر قصه‌های عاطفی و احساسی را بیشتر دوست دارند.

آنچه در این نوشتار درباره‌ی «قصه‌گویی برای کودکان» خواندید کلیاتی بود درباره‌ی ابعاد و اهمیت این موضوع و تأثیری که می‌تواند بر ذهن، زبان، رفتار و شخصیت کودکان در نخستین سال‌های عمرشان بگذارد. نگارنده بیش از آنکه خواسته باشد به جنبه‌های تخصصی موضوع بپردازد قصد یادآوری و تذکر چیزی را دارد که چه بسا، بدیهی به نظر برسد ولی در عمل، در مدارس ما به آن توجه کافی نمی‌شود. ضمناً از آنجا که ورود به جزئیات موضوع مد نظر نیست همکاران و خوانندگان عزیز را به مطالعه‌ی کتاب‌ها و منابع زیر ارجاع می‌دهیم.

۱. محمدرضا سرشار (رضا رهگذر)، **الفبای قصه‌گویی**، چاپ دوم، پیام آزادی، ۱۳۷۷.
۲. محمدهادی محمدی و زهره قائینی، **تاریخ ادبیات کودکان ایران (مجموعه)**، چاپ ششم، ۱۳۹۰.
۳. دیویی، چمبرز، **قصه‌گویی و نمایش خلاق**، ترجمه‌ی ثریا قزل‌ایاق، چاپ چهارم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.
۴. جک ژاپیس، **هنر قصه‌گویی خلاق**، ترجمه‌ی مینو پرنیان، انتشارات رشد، ۱۳۸۰.

تجربه نشان می‌دهد که توانایی قصه‌گویی در افراد پدیده‌ای فطری و ذاتی است و البته قابل رشد و پرورش نیز هست. چه بسیارند قصه‌گویانی که با پر و بال دادن به تخیل خود از گاه کوهی می‌سازند و شنونده (کودک) را مسحور خود می‌کنند؛ و برعکس چه بسیارند کسانی که دنیایی از قصه‌ها را در ذهن یا حافظه‌ی خود دارند ولی در نقل آن‌ها به دلایل مختلف به‌ویژه از نظر قدرت بیان ناتوان‌اند. در هر صورت کسی که از «موهبت بزرگ قصه‌گویی» برخوردار است جا دارد که در پرورش آن بکوشد و آن را به مرحله‌ی عمل برساند؛ یعنی بیشتر قصه بخواند، ادبیات فارسی (ویا محلی) را بیشتر مطالعه کند، قصه‌های خوب و آموزنده را از قصه‌های ناصواب و بدآموز بازشناسی کند، با تمرین‌های مناسب، امکان تأثیرگذاری بر مخاطب، یعنی کودک را افزایش دهد و تمرین‌هایی برای رشد لحن عاطفی خود، بیان روشن، کاربرد صحیح لغات و کلمات، تغییر صدا، تقلید صدا، نواهای مناسب، نگاه‌های به‌جا، حرکت دست و دیگر اندام، و به‌ویژه نحوه‌ی رفتار با کودکانی که برای آن‌ها قصه می‌گوید، با توجه به تفاوت‌های فردی‌شان انجام دهد.

کودک

کسانی که با دنیای کودک آشنایی دارند به‌خوبی می‌دانند که جهان کودک روزبه‌روز در حال تغییر است؛ برخلاف افراد بزرگسال که با تکوین شخصیت، دنیایشان ثابت و پایدار می‌ماند. قصه‌گویی برای خردسالان دوره‌ی آمادگی با قصه‌گویی برای بچه‌های دوم دبستان متفاوت است. بزرگ‌ترین آفت در قصه‌گویی برای کودکان این است که قصه‌گو بخواهد داستان بزرگسالان را با ادبیات و لحنی کودکانه برای بچه‌ها بازگو کند؛ چنان‌که امروز بسیار می‌بینیم افرادی را که می‌کوشند به‌عنوان نویسنده‌ی کودک، داستان‌ها و افسانه‌های حماسی قدیم را ساده‌نویسی کنند و به‌صورت داستان کودک درآورند و با چاشنی تصاویر گرافیکی و رنگ‌آمیزی‌های متنوع به بازار عرضه کنند، که البته کمتر تأثیرگذار است. کودک قصه و داستان کودکانه می‌خواهد، با همه‌ی ابعاد و ویژگی‌هایش.

قصه

قصه اصل ماجرا و در واقع واسطه‌ی میان قصه‌گو و کودک است. قصه محصول تخیل آدمی است. شاید هیچ قصه‌ای - حتی قصه‌های واقعی شما - صورت واقعی و عینی نداشته باشد. قصه را قصه‌نویس یا قصه‌گو در خیال خود می‌سازد و با عبارت‌ها و کلمات و نوشتن یا گفتن آن را عینی می‌کند. بنابراین، امکان ساختن قصه به بی‌نهایت شکل وجود دارد. آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که قصه باید:

- طرح داشته باشد و اجزای آن با یکدیگر ارتباط منطقی داشته باشند.
- درون‌مایه، یعنی محتوای آن قوی و غنی باشد؛ به عبارت دیگر حرفی برای گفتن داشته باشد.
- زبان ساده داشته باشد، یعنی مخاطب، از سه ساله تا ده ساله، بتواند آن را بگیرد، ضمناً اگر مکتوب است طوری باشد که قصه‌گو نیز بتواند به راحتی آن را به گفتار تبدیل کند.



از یک اسم تا کتاب نارنجی



اشاره

کودکان شش تا هشت ساله در دبستان قواعد دستوری زبان را تجربه می‌کنند و دایره‌ی واژگانی خود را گسترش می‌دهند. در این سنین کودکان به نوشته‌هایی علاقه دارند که در آن‌ها موجودات بی‌جان شخصیت پیدا می‌کنند و حتی سخن می‌گویند. و حدود نه سالگی است که کودک در خواندن مهارت بیشتری می‌یابد و می‌توان در پاسخ به سوالاتش اطلاعات خوبی را از راه کتاب و قصه به او انتقال داد. بدین ترتیب، می‌توان سال‌های کودکی و نوجوانی را در حوزه‌ی ادبیات به شرح زیر تقسیم کرد:

۱. گروه سنی «الف»: سال‌های پیش از دبستان و پایه‌ی اول ابتدایی
 ۲. گروه سنی «ب»: سال‌های دوم و سوم دبستان
 ۳. گروه سنی «ج»: پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دبستان
 ۴. گروه سنی «د»: دوره‌ی اول متوسطه
 ۵. گروه سنی «ه»: دوره‌ی دوم متوسطه
- در این فرصت به معرفی دو مجموعه کتاب قصه در گروه‌های سنی مختلف می‌پردازیم.

یک اسم و چند قصه

نویسندگان: ناصر نادری، مجید راستی، لاله جعفری، طاهره خردور، شراره وظیفه‌شناس، سوسن طاق‌دیس، فروزنده خداجو، محمدرضا شمس، شکوه قاسم‌نیا

ناشر: شهر قلم - چکه (تهران، تلفن ۷۷۱۸۱۵۴۵-۶)

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱
مصور. برای گروه‌های سنی «ب» و «ج».

نویسندگان این مجموعه قصه در صفحه‌ی «سخنی با بزرگ‌ترها» می‌گویند: «برای کودکان نوشتن شرط‌های بسیاری دارد که شاید از همه مهم‌تر درک و دریافت حس و خیال کودکان است». فضای این نوشته‌ها تخیلی و اغلب همراه با طنزی ظریف است که بچه‌ها آن را می‌پسندند.

قصه‌ی «پاهای ترسو» را از مجموعه‌ی «جوراب پشمی» نوشته‌ی «شراره دوتا پا بودند که دوتا جوراب پشمی داشتند، اما هیچ‌وقت آن‌ها را نمی‌پوشیدند. یک روز پاها از سرما یخ کرده بودند. جوراب پشمی‌ها گفتند: «چرا ما را نمی‌پوشید...؟» پاها عقب‌عقب رفتند و گفتند: «وای. نه! جلو نیاید!»

جوراب‌ها گفتند: «چرا می‌ترسید؟ مگه ما لولو هستیم؟»

پاها گفتند: «از لولو هم بدترید... می‌خواهید ما را بخورید» و فرار کردند. جوراب پشمی‌ها دنبالش‌ان دویدند و گوشه‌ی اتاق به آن‌ها رسیدند. پاها از ترس جیغ کشیدند و گفتند: «ما را نخورید!» و از حال رفتند.

جوراب‌ها با زحمت پاها را پوشیدند. کم‌کم پاها گرم شدند و حالشان جا آمد. آن وقت دوباره جوراب‌ها را دیدند. خواستند بترسند اما جوراب پشمی‌ها آن‌ها را قلقلک دادند. همه با هم خندیدند.

اتوبوس، آدم برفی، عنکبوت، ستاره، کلاه و چند عنوان دیگر، از سایر مجلدات این مجموعه هستند. کتاب «یک اسم و چند قصه» را می‌توانید از کتاب‌فروشی‌های معتبر تهیه کنید.

کتاب‌های نارنجی

نویسنده: فریبا کلهر، فروزنده خداجو، سرور کتبی
ناشر: قدیانی (کتاب‌های بنفشه، تهران، تلفن ۴۴۱۰۴۶۴)
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰ مصور. برای گروه‌های سنی «ب» و «ج».

این مجموعه کتاب‌ها با عنوان کلی «کتاب‌های نارنجی» برای ۵۲ هفته در سال نوشته شده‌اند.

فریبا کلهر، فروزنده خداجو و سرور کتبی از نویسندگان این مجموعه هستند. کودکان شش تا ده سال می‌توانند هر هفته یک جلد از این مجموعه کتاب‌ها را بخوانند. «جوجه کوچولو و خانم دایناسور»، «آقا خروسه بی‌تاج شده»، «جوجه جغله»، «کوله‌پشتی آقا غوله»، «ابری که پایین افتاد»، «لحاف ننه‌سرما» و «کبری‌تی که رییس آشپزخانه بود» از جمله کتاب‌های این مجموعه‌ی ۵۲ جلدی هستند.